

رابطه سبک های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی در نوجوانان

سهیلا خالقی تبار^۱، محمدجعفر جوادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

^۲ عضو هیات علمی وزارت علوم، استادیار مدعو دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

نام نویسنده مسئول:

سهیلا خالقی تبار

چکیده

هدف از این پژوهش، تعیین رابطه بین سبکهای فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی دانش آموزان دختر منطقه پنج آموزش و پرورش شهر تهران است. این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه مدارس دولتی منطقه پنج آموزش و پرورش شهر تهران است که در سال تحصیل ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. نمونه گیری انجام شده از نوع خوشه ای چند مرحله ای است و تعداد ۲۱۳ نفر به عنوان آزمودنی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه های ادراک از سبک فرزندپروری والدین بامریند، احساس تنهایی اش و ترس از ارزیابی منفی لیری است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی شامل شاخص های گرایش به مرکز، پراکندگی و از آمار استنباطی، شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک های فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه با احساس تنهایی رابطه منفی و معنادار و همچنین بین سبک های فرزندپروری ادراک شده سهل گیرانه رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه با ترس از ارزیابی منفی رابطه معنادار مثبت و بین سبک فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه و سهل گیر با ترس از ارزیابی منفی رابطه منفی و معنادار دیده شد. ولی بین سبک فرزندپروری مستبدانه و احساس تنهایی رابطه معنادار مشاهده نشد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه با ضریب ۰/۳۱ و مقتدرانه با ضریب ۰/۴۴ می توانند احساس تنهایی را پیش بینی کنند. همچنین سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه ۰/۲۹، مقتدرانه ۰/۰۳ و سهل گیرانه ۰/۱۵ در پیش بینی متغیر ترس از ارزیابی منفی سهم دارند. در مجموع، از این تحقیق می توان فهمید که سبک فرزندپروری مقتدرانه نقش مهمی در عدم احساس تنهایی فرزندان دارد.

واژگان کلیدی: فرزندپروری ادراک شده، احساس تنهایی، ترس از ارزیابی منفی.

مقدمه

رابطه بین کودکان، والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به طور مستقیم و غیر مستقیم، از طریق سبکها و روشهای مختلف فرزندپروری در کودکان تاثیر می گذارد. اکثر روان شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان خود را اساس تحول عاطفی تلقی می کنند (بالبی^۱، ۱۹۶۹، فروید^۲، ۱۹۶۴، به نقل از مهرابی زاده و همکاران، ۱۳۷۹). یکی از اساسی ترین مسائلی که در محافل علمی و آموزشی جهان مطرح است و بسیار هم درباره آن سخن گفته می شود، مسئله سبک های فرزندپروری و به عبارتی تعلیم و تربیت فرزندان است. سبک های فرزندپروری یکی از سازه های جهانی است که نشانگر روابط والد- کودک است (دارلینگ و استنبرگ^۳، ۱۹۹۳، به نقل از محمودی، ۱۳۹۳).

مجموعه رفتارها و نگرش هایی که والدین نسبت به فرزندان خود اعمال می کنند، شیوه فرزندپروری را به وجود می آورد و احساس، ادراک و ارزیابی فرزندان از سبک های تربیتی و رفتار والدین خود، فرزندپروری ادراک شده نامیده می شود. بامریند^۴ (۱۹۸۹) در یک رشته تحقیقات به این نتیجه رسید که فرزند پروری مقتدرانه، فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری سهل گیرانه، سه نوع سبکی است که بر روابط بین والدین و فرزندان حاکم است.

یکی از مهمترین دلایل ایجاد ارتباطهای بین فردی، احساس تنهایی است. احساس تنهایی به نوعی به کاستی در روابط انسانی و تعاملات بین فردی ناکافی اشاره دارد، که ممکن است از کیفیت نا مطلوب در این روابط ناشی شود. از احساس تنهایی تعاریف گوناگونی شده است. سه ویژگی مشترک این تعاریف را می توان اینگونه خلاصه کرد:

- ۱- احساس تنهایی از کاستی در روابط اجتماعی فرد ناشی می شود.
- ۲- تجربه ای روانی و ذهنی است که با انزوای فیزیکی شناسایی نمی شود.
- ۳- یک وضعیت روانی ناخوشایند و فشار آور است که خود مانند محرکی برای تلاش در جهت فایق آمدن بر آن عمل می کند (لینتبرگ^۵، ۱۹۹۰).

از آنجا که اساس تنهایی ناشی از فقدان دلبستگی عاطفی یا عدم اطمینان و امنیت در مناسبات اجتماعی است (رایت^۶، ۲۰۰۶، دارابی و همکاران، ۱۳۹۲). برای فایق آمدن بر آن نیز لازم است تا هر دو شکل روابط اجتماعی و عاطفی توسعه یابند. جاکوپو معتقد است که کیفیت روابط اجتماعی نسبت به وجود و یا تعداد این روابط مهمتر است. اما گاهی اضطراب اجتماعی عاملی می شود برای دوری از روابط اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی - که یکی از زمینه های اضطراب اجتماعی است- و فرد را به عدم برقراری ارتباط با دیگران می کشاند. اضطراب اجتماعی یک مفهوم ترکیبی است که از دو جزء اضطراب و اجتماعی ترکیب شده است. واژه اضطراب به حالتی روانی و عاطفی اشاره دارد که ممکن است از یک احساس ناراحتی کوچک به ترس یا وحشت حاد ادامه یابد. فردی که دچار اضطراب اجتماعی است هیچ گونه تمایلی به آغاز ارتباط با دیگران ندارد و با احساسی از ترس و مقاومت غیر معقول، از هر موقعیتی که ممکن است در معرض داوری دیگران قرار گیرد، اجتناب می ورزد.

در واقع، شخصی که به شدت دچار اضطراب اجتماعی است، تصور می کند در هر موقعیت یا شرایط اجتماعی، فرد یا افرادی به محض مواجه شدن با او رفتار و شخصیتش را مورد نقادی و ارزیابی قرار خواهند داد و یا ممکن است طوری رفتار کند که مورد تحقیر دیگران واقع شود و در فشار و دردسر قرار گیرد. یکی از زیر شاخه های اضطراب اجتماعی، ترس از عدم تایید و یا انتقاد توسط دیگران است. ترس از ارزیابی منفی باعث می شود که روابط اجتماعی تحت تاثیر قرار گیرد.

والدین با ایفای عملکرد عاطفی در حقیقت توانایی و تکامل برقراری ارتباطی صمیمانه را در اعضای خانواده خود به وجود می آورند و این کار به نوبه خود باعث تثبیت شخصیت اجتماعی، رفتاری و همچنین ایجاد اتحاد در بین اعضای خانواده خواهد شد (فریدمن^۷، ۱۹۸۱، به نقل از محمودی، ۱۳۹۳). والدین و شیوه های فرزند پروری آنها یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار در شکل گیری شخصیت فرزندان است. شیوه های فرزند پروری را می توان در ابعاد مختلفی توضیح داد، مانند پذیرش، محبت، کنترل، مهربانی، گرمی، انعطاف پذیر بودن، محدود کردن و پر توقع بودن (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰).

1. Bowlby

2. Freud

3. Darling & Steinberg

4. Baumrind

5. Leitenberg

6. Wright

7. Fridman

از طرف دیگر، نوجوانی به عنوان یکی از دوره های مهم رشد با تغییرات چشم گیر در روابط میان فردی مشخص می شود. از جمله بحران های مهم دوران نوجوانی، که سازگاری فرد با محیط را دچار مشکل می کند، احساس تنهایی است. احساس تنهایی زمانی بوجود می آید که تماس و رابطه فرد با دیگران کاذب باشد، به نحوی که تجربه عاطفی مشترکی برای این رابطه دو جانبه فرد با دیگران متصور نباشد و انسان در فرایند تماس با دیگران ارتباط حقیقی و صمیمانه نداشته باشد (ون هالست^۸ و همکاران، ۲۰۱۲؛ آزادفارسانی، ۱۳۹۲).

پژوهش هایی در زمینه رابطه سبک های فرزندپروری با سلامت روان، ابراز وجود، تاب آوری، اعتماد به نفس، اجتماعی بودن، خصوصیات سالم تر در فرزندان صورت گرفته که در همه موارد فوق، سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشترین رابطه را داشته است و همچنین پژوهش هایی در مورد رابطه سبکهای فرزند پروری با پرورش خلاقیت و دلبستگی ایمن با نتیجه رابطه بیشتر این متغیرها با سبک مقتدرانه و سهل گیرانه صورت گرفته است (کاشفی، درویشی و همکاران، نسایی و همکاران، حاتملو و همکاران، ۱۳۹۲، گرامی، ۱۳۸۷، گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، شهیدی و صریحی، ۱۳۸۶). در پژوهش هایی سبک فرزندپروری مستبدانه نیز با وسواس، روان پریشی، کمرویی، نگرانی در نوجوانان و احساس تنهایی، رابطه معنادار داشته است (رحمتی و همکاران، ۱۳۸۶، تقوی و همکاران، ۱۳۸۹، قاسمی پور کرد محله، خویی نژاد و همکاران، احمدی و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به پژوهش های پیشین و بررسی رابطه سبک های فرزندپروری با متغیرهای گوناگون و اینکه کمتر به رابطه سبک های فرزندپروری و احساس تنهایی پرداخته شده و همچنین پژوهش قابل دسترسی در مورد رابطه سبک های فرزندپروری و ترس از ارزیابی منفی بدست نیامد و از آنجا که بین احساس تنهایی و اضطراب بالا و به ویژه به لحاظ اجتماعی همبستگی وجود دارد (جونز و همکاران، ۱۹۹۰، به نقل از خویی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲)،

و از آنجا که خانواده نقش مهمی در تربیت فرزندان داشته و شیوه های فرزند پروری می تواند فرد را در روابط اجتماعی و نگرش خود نسبت به تنهایی و ترس از ارزیابی منفی توسط دیگران تقویت و تضعیف نماید، در حال حاضر اهمیت فرزند پروری مناسب بسیار قابل توجه است. تعیین رابطه سبک های فرزندپروری با احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی می تواند به ما در انتخاب سبک فرزندپروری مناسب تر جهت کاهش احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی فرزندان کمک کند. که در این صورت احتمال وجود مشکلاتی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به اینترنت، افسردگی، اضطراب، کاهش سلامت روان و کاهش می یابد.

لذا پژوهش حاضر در صدد آن است که رابطه سبکهای فرزند پروری ادراک شده با ترس از ارزیابی منفی و احساس تنهایی را بررسی نماید و به دنبال پاسخ به این سوال ها باشد که آیا بین شیوه های فرزند پروری ادراک شده با احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی در نوجوانان رابطه وجود دارد؟ و آیا سبکهای فرزند پروری می توانند احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی را پیش بینی کند؟

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه، منطقه پنج (مدارس دولتی) آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می دهد.

با توجه به اینکه این پژوهش از نوع همبستگی است و با در نظر گرفتن این مطلب که لیندمن^۹ و همکاران (۱۹۸۰) تاکید می کنند، حجم گروه نمونه باید دست کم ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد هر یک از متغیرها باشد (امامی پور، محمودی و دیباجی فروشان، ۱۳۸۸) بنابراین، حجم نمونه در پژوهش حاضر ۲۲۰ نفر تعیین شد.

در مجموع ۲۲۰ دانش آموز بطور تصادفی انتخاب گردید. سپس پرسشنامه ها در اختیار دانش آموزان قرار گرفت، تا نسبت به تکمیل آنها اقدام شود. در نهایت، پس از بررسی پرسشنامه ها، ۷ پرسشنامه به دلیل کامل پر نشدن کنار گذاشته شد و ۲۱۳ پرسشنامه دیگر مورد بررسی قرار گرفت. دامنه سنی آزمودنی ها بین ۱۶-۱۲ سال بود. نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای صورت گرفته است.

پرسشنامه ادراک از سبک فرزندپروری والدین بامریند

پرسشنامه اقتدار والدین یک پرسشنامه ۳۰ سوالی است که ادراکات بازنگرانه نوجوانان و جوانان از سبک های فرزندپروری اعمال شده توسط والدینشان را می سنجد (نوری، ۱۹۹۱). این پرسشنامه تمام جوانب سبک های تربیتی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد و پس از بارها تجدید نظر به شکل کنونی خود در آمده است که طی آن افراد نظر خود را به صورت مقیاس ۵ درجه لیکرتی مشخص می کنند.

^۸. Van Hulst

^۹. Lindeman

برای بررسی روایی ملاکی پرسشنامه، این ابزار با مقیاس مهرورزی والدین مقایسه شد (بوری و همکاران، ۱۹۹۱). نتایج حاصله، پشتوانه مفهومی برای ابعاد این ابزار را فراهم کردند. همچنین برای مادران مقتدر پایایی ابزار ۰/۷۸، مادران مستبد ۰/۸۶ و مادران سهل گیر ۰/۸۱ و برای پدران مقتدر ۰/۹۲ و پدران مستبد ۰/۸۵ و پدران سهل گیر ۰/۷۷ گزارش شده است. ضریب پایایی مشابهی نیز توسط برزونسکی^{۱۰} (۲۰۰۴) گزارش شده است (به نقل از محمودی، ۱۳۹۳).

این پرسشنامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بیغم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری روایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای وضعیت سهل گیرانه ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و برای اقتداری ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش دبیری (۱۳۸۹) ضرایب پایایی خرده مقیاس ها به روش همسانی درونی محاسبه و آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس های سبک فرزندپروری سهل گیر، مستبد و قاطع با ۳۱۰ نفر آزمودنی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۶ به دست آمد. پایایی این پرسش نامه در پژوهش گل محمدی (۱۳۹۰) با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶، در پژوهش محمودی (۱۳۹۳) با آلفای کرونباخ ۰/۶۲ و در پژوهش قنبری (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ پایایی کل ۰/۷۱ به دست آمد.

در این پژوهش، پایایی ابزار فوق الذکر از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و عدد ۰/۶۲ بدست آمد. نمره گذاری آزمون بر اساس راهنمای خلاصه شده نمره گذاری آزمون شیوه فرزندپروری بامریند که توسط بامریند در سال ۱۹۹۱ تالیف گردیده است، انجام گرفت. در این ابزار، ۱۰ جمله آن (۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۱۸) به شیوه سهل گیرانه، و ۱۰ جمله آن (۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹) به شیوه استبدادی و ۱۰ جمله دیگر آن (۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰) به شیوه مقتدرانه مربوط می شود و در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق - نه مخالف، مخالف و کاملاً مخالفم قرار دارد، که از نمره های (۱-۲-۳-۴-۵) برای گزینه های مواد پرسشنامه استفاده می شود. با جمع کردن نمرات مربوط به هر سبک که در بالاتر ذکر شد، سه نمره مجزا به دست می آید. هریک از سبک ها که نمره بالاتر را نشان دهد، بدین معناست که والد از همان شیوه فرزندپروری استفاده می کند.

پرسشنامه احساس تنهایی آشر^{۱۱}

استفاده از مقیاس احساس تنهایی کودک را اولین بار آشر و همکاران (۱۹۸۴) در یک پژوهش مقدماتی پیشنهاد کردند و بعد از آن، پژوهشگران دیگری آن را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دادند.

ضریب پایایی این آزمون با استفاده از روش دو نیمه کردن $I = 0.83$ بود و با استفاده از روش اسپیرمن - براون، ضریب پایایی ۰/۹۱ $R =$ و همچنین با استفاده از روش دو نیمه کردن گاتمن، ۰/۹۱ $R =$ بدست آمد (آشر و هایمل و رنشاو، ۱۹۸۴، به نقل از چاری، ۱۳۸۱). در محاسبات مربوط به پایایی، مشخص شد که مقیاس مورد بحث از ثبات درونی مناسبی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ است و نیز همسانی درونی آن، با توجه به همبستگی ۰/۶۶، در سطح قابل قبولی است (چاری، ۱۳۸۱). در پژوهشی که چاری و خیر (۱۳۸۱) در ایران با هدف بررسی روایی و اعتبار مقیاس احساس تنهایی آشر و همکاران انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که مقیاس مورد بحث از روایی و اعتبار قابل قبولی برخوردار می باشد (به نقل از صفایی و همکاران، ۱۳۹۲).

در این پژوهش، پایایی ابزار فوق الذکر از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و عدد ۰/۸۸ بدست آمد. این مقیاس شامل ۲۴ ماده است. ۸ ماده آن (عبارات ۲-۴-۵-۱۱-۱۳-۱۵-۱۹-۲۳) مربوط به سرگرمی ها و علاقه های کودک است و نمره ای به آن تعلق نمی گیرد و برای این منظور که کودک در انجام آزمون احساس راحتی و آرامش و آزادی بیشتر کند، آورده شده است. به ۱۶ ماده نمره تعلق می گیرد و دامنه آن بین ۱۶ تا ۸۰ است.

این پرسشنامه بر اساس مقیاس رتبه بندی لیکرت نمره گذاری شده است و در هر عبارت بین ۱ تا ۵ نمره می گیرد (اصلاً در مورد من درست نیست = ۱، کمی در مورد من درست است = ۲، گاهی در مورد من درست است = ۳، غالباً در مورد من درست است = ۴ و کاملاً در مورد من درست است = ۵). عبارات ۳-۶-۹-۱۲-۱۴-۱۷-۱۸-۲۰-۲۱-۲۴ باید به صورت معکوس نمره گذاری شود. هر چه نمره بدست آمده بیشتر باشد، بیانگر احساس تنهایی بیشتر خواهد بود.

¹⁰ Berzonsky

¹¹ Asher

پرسشنامه ترس از ارزیابی منفی (مقیاس کوتاه)

مقیاس کوتاه ترس از ارزیابی منفی در سال ۱۹۸۳ توسط لیری^{۱۲} به منظور سنجش اضطراب ناشی از ارزیابی اجتماعی و بر مبنای مقیاس ترس از ارزیابی منفی (واتسون و فرند^{۱۳} ، ۱۹۶۹) ساخته شد .

ضریب همبستگی درونی آزمون بین ۰/۹۴ تا ۰/۹۸ و ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در فاصله زمانی یک ماه بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ گزارش شده است. شکری و همکاران (۱۳۸۷) در ایران ویژگی های روان سنجی فرم کوتاه مقیاس ترس از ارزیابی منفی را مورد بررسی قرار داده اند. ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی درونی ۰/۸۷ به دست آمد. همبستگی پرسش ها و کل پرسشنامه بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۶ به دست آمده و حذف هیچ یک از پرسش ها افزایش پایایی را به دنبال نداشت.

در این پژوهش ، پایایی ابزار فوق الذکر از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و عدد ۰/۶۶ بدست آمد. این مقیاس دارای ۱۲ عبارت است. آزمودنی باید در یک طیف لیکرت ۵ درجه ای (از اصلا تا بسیار زیاد) میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات آن را مشخص کند. ۸ عبارت این آزمون به صورت مثبت و ۴ عبارت آن به صورت منفی بیان شده اند، که در زمان نمره گذاری باید امتیاز عبارات منفی را به صورت معکوس در آورد. در این پرسشنامه عبارات ۲-۴-۷-۱۰ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند، یعنی :

۵= اصلا ، ۴= کم ، ۳= فرقی ندارد ، ۲= زیاد ، ۱= بسیار زیاد

نتایج**جدول ۱- نتایج ضریب همبستگی پرسون بین سبک فرزند پروری با احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی**

متغیر وابسته	متغیر مستقل	احساس تنهایی		ترس از ارزیابی منفی	
		همبستگی پرسون	سطح معناداری	همبستگی پرسون	سطح معناداری
سبک های فرزندپروری ادراک شده		۰,۱۳۳	۰,۰۷۱	-۰,۰۴۰	۰,۵۹۱
سبک فرزندپروری مستبدانه		۰,۰۴۴	۰,۵۳۴	۰,۳۱۳	۰,۰۰۰
سبک فرزندپروری مقتدرانه		-۰,۵۰۹	۰,۰۰۰	-۰,۱۷۹	۰,۰۱۲
سبک فرزندپروری سهل گیرانه		۰,۵۷۲	۰,۰۰۰	-۰,۱۷۸	۰,۰۱۲

جدول ۲- ضرایب شیب پیش بینی احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی از روی متغیر های سبک های فرزندپروری

ضرایب تاثیر استاندارد شده B	T	سطح معناداری
-۰,۳۱۲	-۴,۹۸۹	۰,۰۰۰
۰,۴۴۳	۷,۰۶۹	۰,۰۰۰

با توجه به جداول فوق (جدول ۱) ، می توان بیان داشت که بین سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه و احساس تنهایی رابطه معنادار وجود ندارد. بین سبک فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه و احساس تنهایی رابطه منفی وجود دارد و بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و احساس تنهایی رابطه مثبت وجود دارد.

همینطور بین سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه و ترس از ارزیابی منفی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و بین سبکهای فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه و سهل گیرانه با احساس تنهایی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

از آنجا که در محاسبات ضرایب تاثیر رگرسیونی بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و احساس تنهایی رابطه معنادار نبود ، سبک فرزندپروری سهل گیرانه را حذف کرده و سهم دو سبک دیگر فرزندپروری ادراک شده (مستبدانه و مقتدرانه) محاسبه گردید.

نتایج حاصل از جدول ۲ نیز نشان می دهد که سهم متغیر سبک فرزند پروری ادراک شده مستبدانه ۳۱/۲ درصد و سبک فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه ۴۴/۳ درصد در پیش بینی متغیر احساس تنهایی بوده است.

¹². Leary¹³. Watson & Friend

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، تعیین رابطه بین سبک های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبکهای فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه با احساس تنهایی و همچنین ترس از ارزیابی منفی رابطه منفی و معنا داری وجود دارد. همینطور بین سبک فرزندپروری ادراک شده مقتدرانه با احساس تنهایی و همچنین ترس از ارزیابی منفی رابطه منفی و معناداری بدست آمد و به علاوه بین سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه و ترس از ارزیابی منفی نیز رابطه مثبت و معنادار بود. همینطور، بین سبک فرزندپروری ادراک شده سهل گیرانه با احساس تنهایی نیز رابطه معنادار و مثبت و بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه با ترس از ارزیابی منفی رابطه منفی و معنادار بدست آمد.

به علاوه، نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری ادراک شده مستبدانه ۲/۳۱ درصد و سبک فرزندپروری مقتدرانه ۳/۴۴ درصد می توانند احساس تنهایی را پیش بینی کنند. همچنین سبک فرزند پروری مستبدانه ۵/۲۹ درصد، سبک فرزندپروری مقتدرانه ۲/۳ و سبک فرزندپروری سهل گیرانه ۲/۱۵ درصد در پیش بینی ترس از ارزیابی منفی سهم دارند. در پیش بینی احساس تنهایی سهمی برای سبک فرزندپروری سهل گیرانه دیده نشد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با احساس تنهایی ($r = -0.91$) رابطه وجود دارد و جهت رابطه نیز منفی می باشد؛ یعنی این فرضیه تایید می گردد. به عبارت دیگر یافته ها نشان می دهد که نوجوانانی که والدین با سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند، رابطه عاطفی گرمتری با والدین خود داشته و بهتر می توانند در مورد احساسات و مسایل خود با والدین گفت و گو کنند. این امر احتمالاً به رشد عاطفی، اجتماعی و رفتارهای پنهان این نوجوانان کمک خواهند نمود (خویی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، اسلامی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی بیان کرده اند که شیوه های فرزندپروری مقتدرانه به علت توجه و پاسخگویی مناسب والدین نقش چشمگیری در رشد شناختی و جامعه پذیری افراد دارد.

این یافته، همچنین با تحقیقات انجام شده توسط پژوهشگران دیگر همسویی دارد. برای مثال، لعلی فاز و عسکری (۱۳۸۷) در پژوهشی دریافتند که سبک فرزندپروری مقتدرانه می تواند میزان احساس تنهایی را در دانش آموزان دختر کاهش دهد. همچنین در پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۲) و همین طور خویی نژاد و همکاران (۱۳۸۶) رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و احساس تنهایی رابطه ای منفی و معنا دار بدست آمد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین سبک فرزندپروری مستبدانه و ترس از ارزیابی منفی ($r = 0.31$) رابطه ای مثبت وجود دارد. این یافته با یافته های گلفاند و تتی (۱۹۹۰، به نقل از خویی نژاد و همکاران، ۱۳۸۶) نیز همسو است. آنها دریافتند که شیوه فرزند پروری مستبدانه به طور کلی سبب کاهش سازگاری و به طور خاص موجب ایجاد مشکلات رفتاری برون سازی در کودکان می شود. همینطور گلید و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان دادند که فرزندان والدین مستبد که اجازه نمیدهند فرزندانشان فرصت یادگیری و مواجهه موفق با چالش ها را در اختیار داشته باشند، خود تنظیمی و کنترل رفتار ضعیفی از خود نشان می دهند و همچنین دکوویچ و میوس (۱۹۹۷) نیز عنوان کرده اند که سبک فرزندپروری مستبدانه با روابط اجتماعی ضعیف، خودپنداره منفی و رضایت پایین از روابط، ارتباط دارد (به نقل از گل محمدی، ۱۳۹۰). پاکدامن و مرتضوی نصیری نیز (۱۳۹۳) در پژوهشی بیان داشتند که هر چه اعمال قدرت بر فرزندان بیشتر باشد حساسیت آنها نسبت به ارزشیابی منفی دیگران افزایش می یابد، که مشابه نتیجه این پژوهش می باشد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با ترس از ارزیابی منفی ($r = 0.17$) رابطه وجود دارد و جهت رابطه نیز منفی می باشد. زارعی (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان داد، فرزندان که تحت شیوه فرزند پروری مقتدرانه بودند، رفتارهای حاکی از ابراز وجود و جسارت بیشتری دارند و همچنین کلارک و همکاران (۲۰۰۲، به نقل از گل محمدی، ۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که ادراک از فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی با رفتارهای اجتنابی دارد. پژوهش گرکو و لوریس (۲۰۰۵) نیز نشان داد، بین اضطراب اجتماعی و مهارتهای اجتماعی رابطه دارد. با توجه به پژوهش های فوق شاید بتوان اینگونه بیان کرد که فرزندان که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند، ترس از ارزیابی منفی کمتری خواهند داشت که این پژوهش نیز همین نتیجه را در بر داشته است.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه با ترس از ارزیابی منفی ($r = -0.57$) رابطه وجود دارد و جهت رابطه نیز منفی می باشد. شهیدی و صریحی (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند که افراد رشد یافته تحت شیوه فرزندپروری سهل گیرانه از توانایی بیشتری در ابراز وجود برخوردارند. همچنین شهامت و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که سبک فرزندپروری سهل گیرانه پیش بینی کننده طر حواره های بزرگ منشی فرد می باشد. بنابراین شاید بتوان اینگونه بیان داشت که فرزندان با شیوه فرزند پروری سهل گیرانه چون توانایی زیادی در ابراز وجود داشته و بزرگ منشی بیشتری در آنها پیش بینی شده است، ترس از ارزیابی منفی کمتری دارند. که این پژوهش نیز همین نتیجه را نشان می دهد. لازم به ذکر است که در بقیه موارد رابطه معناداری بدست نیامد.

از جمله محدودیت های این پژوهش این است که این پژوهش روی دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه مدارس دولتی منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران ، صورت گرفته است . بنابراین قابل تعمیم به پسران ، مقاطع دیگر تحصیلی ، مدارس غیرانتفاعی و دیگر مناطق و یا شهر ها نیست . همچنین حساس تنهایی و ترس از ارزیابی منفی ، عوامل مختلفی را در بر دارند که امکان ارائه همه آنها در یک پژوهش و در یک زمان ، مقدور نیست. لذا ، در این پژوهش تمامی عوامل و دلایل مرتبط با دو متغیر مذکور مورد بررسی قرار نگرفته است.

با توجه به یافته های تحقیق پیشنهاد می گردد این سه متغیر و ارتباط آنها در جامعه دانشجویان ، جامعه پسران ، مدارس غیرانتفاعی و دیگر مناطق نیز بررسی شود. همینطور با توجه به اینکه استفاده از اینترنت در خانواده ها در حال افزایش است و اشتغال والدین نیز گسترش یافته است، پیشنهاد می گردد که در زمینه احساس تنهایی نوجوانان پژوهش های کامل و گسترده تری صورت گیرد . با توجه به اهمیت نقش شیوه های فرزندپروری پیشنهاد می گردد ، برای والدین کلاس های آموزشی و کارگاه هایی در این راستا جهت آگاهی و آموزش شیوه های فرزندپروری صحیح و موثر و پیامدهای ناشی از آنها برگزار گردد. برگزاری دوره های آموزشی در زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی در جهت یاری دادن به تقویت خودشناسی و خودباوری و زندگی فردی و اجتماعی سالم و رفع آسیب های روانی نظیر افسردگی ، اضطراب و پرخاشگری برای دانش آموزان بسیار ضروری و مهم است. رسانه های ارتباط جمعی اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه ها و مقالات علمی علوم انسانی می تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشند. برگزاری دوره های گروه درمانی شناختی - رفتاری برای نوجوانان و جوانان جهت کاهش ترس از ارزیابی منفی از ضروریات است و باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

منابع و مراجع

- [۱] احمدی، سعید، عبدی زاد، صدیقه، احمدی، وحید، نجفیان، نرگس، جمشید زاده، امان (۱۳۹۲). رابطه شیوه های فرزندپروری با احساس تنهایی در دانش آموزان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- [۲] اسلامی چهارزی، زهرا، قربانی، مریم، آقایی، اصغر (۱۳۹۱). رابطه شیوه های فرزندپروری با نظریه ذهن دانش آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر اصفهان. نشریه شناخت اجتماعی سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱.
- [۳] پاکدامن، شهلا، مرتضوی نصیری، فرشته سادات (۱۳۹۳). سبک های فرزندپروری ادراک شده و ترس از ارزشیابی منفی (مقایسه دختران نوجوان تیزهوش و عادی).
- [۴] حاجی نیا اسبو، آریتا (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش مهارت های خودآگاهی بر ترس از ارزیابی منفی و اجتناب اجتماعی افراد مبتلا به زالی. پایان نامه دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات واحد یزد.
- [۵] خویی نژاد، غلامرضا، رجایی، علیرضا، محب راد، تکتیم (۱۳۸۶). رابطه سبک های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر، نشریه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، دوره ۹، شماره ۳۴.
- [۶] شهیدی، شهریار، صریحی، نفیسه (۱۳۸۶). رابطه روش های فرزندپروری با توانایی ابراز وجود و بررسی تاثیر برنامه های آموزش ابراز وجود در دانش آموزان. روان شناسی معاصر، دوره ۳ شماره ۱.
- [۷] شهاخت، فاطمه، ثابتی، علیرضا، رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و طرحواره های ناسازگار اولیه. مطالعات تربیتی و روانشناسی. دوره یازدهم. شماره ۲.
- [۸] گل محمدی، حاتم، (۱۳۹۰)، رابطه بین سبک های دلبستگی و شیوه های فرزندپروری ادراک شده با خودکارآمدی دانشجویان، پایان نامه
- [۹] لعلی فاز، احمد و همکار (۱۳۸۷). نقش سبک های فرزندپروری و متغیرهای جمعیت شناختی بر احساس تنهایی دختران. فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۳۷.
- [۱۰] نسایی، وحید، رجایی، علیرضا، خویی نژاد، غلامرضا (۱۳۹۲). مقایسه سبک های فرزند پروری و اجتماعی بودن. مقاله ششمین همایش بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- [۱۱] هومن، حیدرعلی (۱۳۸۰) تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: پارسا.
- [12] Baumrind,D.(1989).*Rearing compentent children*. In W.Damon (Ed), *child development to day and tomorrow*. 349-378. san francisco: jossey - Bass.
- [13] Greco ,L & Morris ,T (2005). *Factors Influencing the link between social .Anxiety and peer acceptance: contributions of social skills and close friendships during middle childhood*, Behavior therapy ,Volume 36, Issue 2 , spring 2005 ,p 197-205.
- [14] Leitenberg ,H.(1990). *Handbook of social and evaluation anxiety*. NewYork : Leitenberg Plenum Press.
- [15] Sadock , B,J,Sadock ,V,A & Kaplan and sadock(2005). *Comprehensive textbook of psychology: 8thed*. Lippincott : Wiliams and wilkins , 609-616.